

یابنده است و بعد درین معنی <sup>فریاد</sup> عاقبت جوینده یابنده بود  
چون فریج که صبر زاینده بود هر که چیزی حجت پیشکش  
تا نیفتد بر تو مودی نظر از وجود خویش کی با خبر  
**بدان** ای طالب هوشمند این در طلب حجت  
جوی کشاده نمیشود باید که حجت حاضر ناظر خود باشی و هر  
درستان الهی داشته که پست الدجین رفتمست ظهور  
این معنی برسی و کوشش است با حجب بر طالب این نیست  
است که سعی و کوشش را بر خود لازم کند همیشه بوضع نیاز  
و انیسار از حضرت و باب تعلق حصول این معنی را جویند  
خواست بجز این طایفه نکلند که نسبت خواست در پیش  
این طایفه دولتی بس ظلمت عاقل نباشی توفیق  
**توفیق** یکی شخصی را ای ادب گفته آن شخص گفت  
صراحتی ادب مگوی که من بیساعت در صحبت پیش خیز

بودم

بودم که هر ای ادب چون توان گفت **تسبیح** ای طالب  
ازین سعی معلوم میشود که حجت این طایفه نعمتی است  
آسمان سپردند پیش زین که **یک** و **یک** دو نفر بودند  
اگر یک کینفین باشد خود را ازین سعادت محروم نگردانند  
براستن ان ابادت که **یک** داشت که لطف دوست بر وی نماند  
آنرا که خدی دولتی خواهد داد ناکاه ز سنگ خاره برین  
فریاد خرد و کعبه آورند **یک** که صورت است یک کعبه  
تا توانی زیارت دلها کن کافرون زهر از کعبه اندیک  
کوثر تا بکف آری کلید که **بو** که بی طلب نتوان یافت  
**طالب** باید که قدر اولیا و زمان خود را معتمد دانند  
و نموده که اولیا جامع **که** معارف ایشان موجب یادگرفت  
**و در** **الذکر** آورده که مراد از اولیا الله مانند که احدی پس  
باشند **که** **الذکر** و صفت برین وجه میکند